

نوشته‌اند، مورد اشاره واقع شده است. برای مثال، خراسان می‌نویسد: «انتخاب مجدد منصوری نشان داد که هنوز منطق درون‌گفتمانی جبهه، بر رادیکالیسم تأکید دارد و از پذیرش ایده‌های تعدیل‌شده و تعامل محور گریزان است.»

در کنار این موضوع، یکی دیگر از نقدهایی که عنوان شده، پیرامون این موضوع است که چرا در ترکیب جبهه اصلاحات میانگین سنی بالاست و در این جبهه، جوانان جای زیادی ندارند. این موضوع، محوری است که توسط روزنامه فرهیختگان مورد اشاره واقع شده است: «تزریق جوانان خوش فکر و خوش انگیزه به بدنه اصلاح طلبی می‌تواند جبهه را از این اغما نجات دهد.»

البته در کنار این نقدها، نباید این نکته را هم فراموش کرد که پس از انتشار بیانیه یازده‌بندی، نقدهایی در قبال موضع‌گیری جبهه اصلاحات از سوی برخی چهره‌های اصلاح‌طلب صورت گرفته بود که برای نمونه می‌توان به نقدی اشاره کرد که توسط محمد قوچانی (رئیس دفتر سیاسی حزب کارگزاران) نوشته شد و در آن برخی رفتارهای جبهه اصلاحات (از جمله بیانیه حرکتی میانه‌روانه را مدنظر قرار دهند؛ جایی که در یادداشتش نوشته بود: «هرگز نباید به دوستان نادان (تندروهای داخلی) و دشمنان دانا (جنگ‌طلبان خارجی) بهانه داد و اجماع بزرگی که در کشور میان اصولگرایان، اصلاح‌طلبان، حاکمیت و اصلاحات بر سر منافع و مصالح ملی ایجاد شده است که مذاکرات همانند مقاومت در جنگ فقط یکی از جلوه‌های آن است از بین برود.»

همان مسیر گذشته؟

جبهه اصلاحات ایران سومین ترکیب هیئت‌رئیس خود را شناخته و وارد دوره‌ای دیگر شده است. با توجه به عدم تغییر در ساختار جبهه اصلاحات و حضور همان چهره‌های دوره دوم در رأس هرم، به نظر می‌رسد اکثریت احزاب عضو جبهه اصلاحات از مسیری که در دوره دوم توسط جبهه سپری شده، رضایت داشته‌اند که اگر اینطور نبود گزینه‌هایی را برای جایگزینی آنها معرفی می‌کردند و اجازه تداوم وضع موجود را نمی‌دادند؛ موضوعی که این گمانه را تقویت خواهد کرد که احتمال دارد جبهه اصلاحات با همان روشی که در دومین دوره وجود داشته، در دوره سوم به مسیر خود ادامه دهد.

به هر ترتیب، باید منتظر ماند و دید که در دوره سومی که جبهه اصلاحات ایران مشغول به کار است، در سیاست داخلی و خارجی ایران چه خواهد گذشت و آنها در برابر آنچه می‌گذرد چگونه واکنش نشان خواهند داد و در کنار رخدادها، نباید فراموش کرد که انتخابات شورای شهر سال آینده برگزار خواهد شد و موضوع در کلان‌شهرها بسیار مهم‌تر از آن است که جبهه اصلاحات به سادگی از کنار آن عبور کند.

دو انتخابات اسفند ۱۴۰۲ با تیر ۱۴۰۳ شرایط کشور چندان متفاوت نبوده است. اگر از زوایای مختلف نگاه کنیم، شاید مهم‌ترین مؤلفه بررسی صلاحیت‌ها و باز بودن فضای رقابت است. من تفاوت معناداری در انتخابات مجلس دوازدهم و ریاست‌جمهوری چهاردهم نمی‌بینم. در این انتخابات ریاست‌جمهوری، منتقدترین کاندیدای تاییدصلاحیت‌شده آقای پزشکیان بود. همین آقای پزشکیان در مجلس هم تایید صلاحیت شده بود. قبول دارم که ماهیت انتخابات ریاست‌جمهوری با مجلس متفاوت است و آنجا یک فرد برکشیده می‌شود اما در مجلس یک به ۲۹۰ است. اما چیزی که می‌خواهم بگویم این است که میزان گشودگی انتخابات در این دو مرحله، تفاوت معناداری نداشته که منجر به دو عکس‌العمل و دو رفتار ۱۸۰ درجه‌ای متفاوت شده باشد. این را من می‌توانم به عنوان نقطه قابل مطالعه در رفتار دو سال گذشته جبهه اصلاحات نام ببرم. در دو سال آینده هم، گمان می‌کنم همین موضوع می‌تواند محل چالش برای جبهه اصلاحات باشد. ما انتخابات شوراها را چند ماه دیگر داریم، به شخصه منتظرم ببینم در این انتخابات، جبهه اصلاحات چه رفتاری را انجام خواهد داد. به شخصه امیدوارم که جبهه اصلاحات، ششی مشارکت‌جویانه خودش را که در انتخابات ریاست‌جمهوری داشت، بی‌بگیرد. چراکه اساساً فکر می‌کنم جریان‌های سیاسی و جبهه‌های سیاسی، با حضورشان بهتر می‌توانند تأثیرگذار باشند. من چندان به این تحلیل اعتقاد ندارم که در جامعه‌ای با مختصات ایران، کناره‌گیری انتخاباتی مشکل‌چندانی را از کشور حل کند. این کناره‌گیری‌ها هم می‌تواند به تضعیف توان ملی منجر شود و هم اینکه عملاً دستاوردی برای آن جناح سیاسی نخواهد داشت. این مشکلاتی که امروز از ناحیه ترکیب مجلس دوازدهم به چشم می‌خورد و موضوعی که این مجلس می‌گیرد، حاکی از این است که مشارکت انتخاباتی یک پیوستگی و همبستگی را طلب می‌کند. یعنی شما اگر پارلمان را رها کنی اما دولت را داشته باشی، این مشکلاتی که امروز شاهدش هستیم؛ گریبان دولت را خواهد گرفت. من امیدوارم انتخابات شوراها به هر شکل و با هر میزان مشارکتی، با رویکرد مشارکت‌جویانه همراه باشد زیرا یک رویکرد مشارکت‌جویانه می‌تواند در کوتاه‌مدت و بلندمدت، آثار مثبت و قابل قبول و قابل توجهی برای اصلاح‌طلبان به‌دنبال داشته باشد.

حسن رسولی، نایب‌رئیس دوم جبهه اصلاحات در گفت‌وگویی که با خبرنگار هم‌میهن داشت از عملکرد دوساله جبهه دفاع کرد. او با بیان اینکه جبهه اصلاحات در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری موضع میانه‌روانه‌ای گرفته بود، می‌گوید که در دوره جدید هم جبهه با همان خط و مشی دو سال گذشته به کار خود ادامه خواهد داد.

یک دوره دیگر از کار جبهه اصلاحات ایران به پایان رسید و دوره جدید با معرفی اعضای شورای مرکزی آغاز به کار کرده است. ارزیابی‌تان از عملکرد دوره‌ای که به پایان رسید چگونه است؟

در یک‌سال گذشته، عملکرد جبهه در مواجهه با رویدادها و تحولات عمیق و جدی حوزه سیاست داخلی و خارجی، از جهات گوناگون قابل تبیین و ارزیابی است. در دوره اول، با انتخابات مجلس دوازدهم همراه بود که جبهه اصلاحات، به دلیل اینکه عمده نامزدهایش ردصلاحیت شده بود، حضور نداشت. در انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری سال گذشته هم، راهبرد جبهه اصلاحات، مبتنی بر مشارکت مشروط بود که با تایید دکتر پزشکیان، جریان اصلاحات با همه توان در هر دو مرحله وارد شد و توانست نقش خود را در پیروزی دکتر پزشکیان به منصفه ظهور برساند. طی این یک سال و بعد از انتخابات نیز، در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی، با مسائل مهمی روبه‌رو بودیم. برای پیشگیری از آنچه که پیش‌بینی می‌شد، موضع‌گیری‌های جریان اصلاحات به صورت بیانیه‌ها منتشر شد و همچنین تقاضای ملاقات با رهبری هم داده شد که این تقاضا هم منجر به تشکیل جلسه‌یکی از مسئولان بیت با خانم منصوری قبل از جنگ ۱۲ روزه شد و نیز مکاتباتی شب عید با آقای رئیس‌جمهور صورت گرفت و پیشنهاداتی به صورت مکتوب به ایشان ارائه شد. پس از عید نیز، یک بسته سیاستی پیشنهادی خدمت آقای رئیس‌جمهور ارائه شد و نهایتاً در مقام یک جریان اصلاح‌طلب برخاسته از درون انقلاب، بیانیه یازده‌بندی را در آن شرایط دشوار صادر کرد. به محض شروع عملیات نظامی علیه کشور هم، اولین جریان و اولین شخصیتی که موضع‌گیری حمایت‌گرایانه از نیروهای مسلح، تمامیت ارضی و محکوم کردن تجاوز آمریکا و اسرائیل به کشور داشت، جریان اصلاحات بود. بنابراین اگر اثربخشی جبهه اصلاحات را در پیش‌بینی و پیش‌یابی تحولات و نیز شناسایی تهدیدات بالقوه فراروی منافع و امنیت ملی جست‌وجو کنیم، به استناد اسناد مکتوب پیش‌گفته، من فکر می‌کنم که جریان فکری ما در مقام کمک به دولت برای پیشگیری از رسیدن کشور این شرایط، در حد توان خودش اقدام کرده است و همین مسیر را در چارچوب منشور اصلاح‌طلبی و با پرهیز از خشونت و با هدف اصلاح رویه حکمرانی ادامه خواهد داد و من به عنوان یک عضو، از همه این تشخیص‌ها و موضع‌گیری‌ها دفاع و حمایت می‌کنم.

وارد بحث انتقادها شویم. یک بخش مربوط به نکته‌ای است که برخی رسانه‌های اصول‌گرا عنوان کرده‌اند مبنی بر اینکه عدم تغییر در رأس هرم جبهه اصلاحات و به خصوص ریاست جبهه، به معنی تداوم رادیکالیسم در جبهه است. چه پاسخی برای این نقد دارید؟

جریان اصول‌گرا در عین حال که یک‌دست نیست و برخلاف جریان اصلاحات، فاقد انسجام و نهاد اجماع‌ساز است، در عرصه سیاست‌ورزی درون نظام و انقلاب، رقیب جدی ما هست، بوده و خواهد بود. لذا من اظهارنظر رسانه‌ها و شخصیت‌های وابسته به این جریان را در وهله اول از موضع اقتضانات یک رابطه رقابتی تحلیل می‌کنم. این جریان از دو سه دهه گذشته هم از روش جاری در جهت خدشه وارد کردن به سامانه سیاسی جریان اصلاحات استفاده کرده است و اخیراً هم همین مسیر را دنبال می‌کنند و اگر ارزیابی‌شان از تداوم حضور خانم منصوری، به عنوان ادامه رادیکالیسم است، این را می‌توان ناشی از دیدگاه‌های رقابتی و حذفی دانست. آنچه که باعث شد خانم مهندس منصوری در جلسه اخیر مجمع عمومی جبهه اصلاحات، بدون رقیب و با رأی بسیار بالا، مجدداً به عنوان رئیس جبهه اصلاحات ایران انتخاب شود، برخاسته از تشخیص جمعی اعضای حقیقی و حقوقی، نسبت به عملکرد ایشان در دوره دوساله اخیر بود. در ابتدای جایگزینی خانم منصوری با آقای مهندس نبوی، شاهد برخی از انتقادات و گله‌مندی‌ها بودیم ولی به سرعت خانم منصوری توانست به زوایای مختلف کار جمعی اشراف پیدا کند. به‌خصوص با ویژگی‌هایی که جبهه اصلاحات به عنوان یک نهاد اجماع‌ساز دارد و به‌ویژه در یک‌ساله اخیر نه‌تنها شاهد کاهش انتقادات قبلی بودیم، بلکه ایشان توانست بدون تلاش و تبلیغات و مبتنی بر رفتار عملی و موضع‌گیری‌های نظری، رای موافق اکثریت بالای مجمع عمومی را به خود اختصاص دهد و در این جایگاه قرار بگیرد؛ بدون اینکه رقیبی در این جلسه در مقابل ایشان، پا به عرصه رقابت بگذارد. خود این رای یکپارچه برای ابقای ایشان، نشان‌دهنده رضایت اعضای جبهه اصلاحات از نحوه عملکرد ایشان است.

ما ۴۵ نفر هستیم که ۳۱ نفر دبیران کل احزاب هستند و ۱۴ نفر هم افراد حقیقی هستند. همه این ۴۵ نفر، چهره‌های سیاسی هستند و همه این پیام‌ها و روایت‌های درونی را دریافت کردند ولی با این وجود، نه‌تنها به رای خودشان بر این تحلیل نگذاشتند، بلکه با رویکرد تثبیت و نهادینه شدن ارکان جبهه اصلاحات، نفر اول،

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۹۰۴
www.hammihanonline.ir

نگاه مدافع

حسن رسولی نایب رئیس جبهه اصلاحات ایران:

جبهه اصلاحات همین مسیر را با هدف اصلاح رویه حکمرانی ادامه می‌دهد

دوم و سخنگو و نیز دبیر ابقا شدند. اضافه شدن من هم به این جمع به‌عنوان نایب رئیس دوم، ناشی از همین شرایط فعلی بود. من شخصاً معتقد بودم با توجه به اینکه هدف اصلی این نهاد تقویت تحزب است و باید افقی را ترسیم کند که ما به سمت دو سه حزب فراگیر برویم، اشخاص حقیقی مثل من نباید در این جایگاه حضور داشته باشیم ولی اصرار دوستان منجر به این شد که رای‌گیری کنند که آیا بدون اعلام داوطلبی، اعضا می‌توانند فردی را داوطلب کنند و من در مواجهه با رای دوستان به این جمع اضافه شدم اما تثبیت ۴ نفر پیش‌گفته، نشان‌دهنده تقویت انسجام و وجود همگرایی قابل قبول در جریان اصلاحات است و ما باید این انسجام و همگرایی را به عنوان نقطه مثبت ارج نهاده و آن را تقویت کنیم.

نقد بعدی، این است که سایه و نقش چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب روی جبهه اصلاحات است. برای مثال از سیدمحمد خاتمی نام برده می‌شود. آیا شخص سیدمحمد خاتمی در تصمیمات جبهه اصلاحات تأثیرگذار است و یا دخالتی در مواضع جبهه دارد؟

من کمافی‌السابق آقای خاتمی را علاوه بر اینکه سرمایه ملی می‌دانم و افسوس می‌خورم که کشور در این شرایط بحرانی چرا از ذخایر و ظرفیت‌های سیاسی‌اش مثل آقای خاتمی، مهندس موسوی، کروبی و آقای ناطق استفاده نمی‌کند؛ همچنان ایشان را رهبر جبهه اصلاحات می‌دانم و بدون هیچ ملاحظه‌ای، ایشان را به عنوان رهبر جبهه اصلاحات می‌شناسم. براساس آیین‌نامه‌ای که بر آن اساس ارکان جبهه اصلاحات شکل گرفته و سازمان پیدا می‌کند، نحوه انتخاب اشخاص حقیقی که به نسبت یک‌سوم دبیران کل احزاب است، به عنوان مشاورین نهاد اجماع‌ساز جریان اصلاحات، با انتخاب یک هیئت ۹نفره صورت می‌گیرد که پنج نفر از آن ۹ نفر، به رای مخفی مجمع عمومی جبهه اصلاحات انتخاب می‌شوند که در این دوره هم همین مسیر دنبال شد و ۴ نفر هم برای کمک به شناسایی و انتخاب افراد حقیقی، از سوی آقای خاتمی معرفی می‌شوند. در اینکه آقای خاتمی رهبر جبهه اصلاحات است، ذره‌ای تردید نیست اما ماموریت‌ها و وظایف مجمع عمومی جبهه اصلاحات، تفاوت‌های قابل توجهی به اهداف و مقاصدی دارد که رهبری جبهه اصلاحات دنبال می‌کند و این دو ظرفیت یعنی آقای خاتمی و جبهه اصلاحات، ارتباط طولی با هم دارند و بیشتر جبهه اصلاحات یک نهاد اجماع‌ساز سیاست‌گذار و عملیاتی است اما رهبر جبهه اصلاحات، فراتر از جبهه اصلاحات است. ارتباط، ارتباط غیرقابل‌کنمانی است ولی برقراری این همانی و تشابه مطلق واقعیت عینی ندارد.

موضوع دیگری که به عنوان نقد مطرح شده، این بحث است که جبهه اصلاحات گاهی اوقات در میانه حرکت نمی‌کند و مواضعی را می‌گیرد که به تعبیر برخی تحلیل‌گران بی‌موقع است. برای نمونه هم همین بیانیه اخیر را اشاره می‌کنند. این موضوع را چطور ارزیابی می‌کنید؟

درباره بیانیه اخیر که از ۳۹ نفر حاضر در جلسه، ۳۸ نفر رای مثبت دادند؛ بنابراین، اینکه در داخل جبهه اصلاحات نگاه‌های دیگری وجود داشته است، قابل انکار نیست ولی نسبتش یک رای به ۳۸ رای است. درباره اینکه ما از میانه‌روی خارج شدیم؛ خود مشارکت جدی جبهه اصلاحات در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری آن هم در شرایط بسیار سخت و دشوار، مصداق عینی میانه‌روی است و اینکه در دشوارترین شرایط متوجه امنیت ملی و رفاه عمومی کشور، جبهه اصلاحات صرف نظر از انتقادات اساسی که از نحوه حکمرانی کشور دارد، همه گله‌ها را کنار گذاشت و یکپارچه با تحمل همه هزینه‌ها پای نظام ایستاد هم مصداق همین است. جریان اصلاحات، در وضعیت اخیر که دو متجاوز خارجی به کشور حمله کردند، موضع کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای دارد. در دفاع از کشور، همراه با نیروهای مسلح و فرماندهی کل قوا موضع گرفت، کوچکترین همراهی و هم‌نظری با براندازان نداشت. اگر رصد کنید، جریان برانداز و رسانه‌های وابسته به آن مثل ایران اینترنشنال، بیشترین فحش را به جریان اصلاحات می‌دهند. بنابراین، اینکه ما هم‌زمان هم از جناح رادیکال حاکم بر صداوسیما و بخش عمده‌ای از نهادهای حاکمیت مورد طعن و لعن هستیم و برابمان پرورنده‌سازی می‌شود و در صداوسیما به ناحق در حق جبهه اصلاحات، جفا می‌شود؛ این همسویی و هم‌نظری با آنها، نشان‌دهنده رفتار و موضع‌گیری‌های کاملاً اصل‌طلبانه و میانه‌روانه است. آنچه که آنها تندروی می‌دانند، این انتظار است که نهاد جبهه اصلاحات نتواند بین این ۴۵ نفر ائتلاف‌سازی کند که همانطور که گفتیم، به استناد رای هفته گذشته، انسجام در جبهه اصلاحات دیده می‌شود. اگر منظور از عدول از میانه‌روی این است که ما به طرح‌های تفرقه‌افکنانه عنایت کنیم، در آن صورت هویت اصلاح‌طلبی ما در معرض تردید خواهد بود. بنابراین، آنچه که علیه جبهه اصلاحات گفته می‌شود، به نظرم بخشی بر چسب و بخشی ناشی از اثربخشی و کارآمدی این جریان است و در حقیقت روایت‌سازی‌های رقابتی ماست. باید تحمل کرد ولی بدون انفعال و بدون اینکه به تقابل بیفتیم و جنگ به چهره این و آن بندازیم، در شرایط دشوار کنونی کشور در عرصه بین‌المللی و داخلی، باید همچنان منادی تداوم راه اصلاح از درون باشد، چراکه مصالح آینده ایران در پیمودن راه اصلاح از درون است.



سیاستمداران



واکنش سخنگوی مجمع به سخنان محمدرضا باهنر

محسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره موضع‌گیری‌های اعضای مجمع، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اعضای مجمع تشخیص مصلحت‌نظام همواره از میان رجال سیاسی و مدیران با سابقه کشور انتخاب می‌شوند که تجربه حضور در بخش‌های مهم نظام را دارند و در بیان دیدگاه‌های خود آزادند. با این حال، برخی اظهارات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام مانند سخنان اخیر آقای باهنر، از منظر شخصیت حقیقی ایشان مطرح شده و ارتباطی با مواضع رسمی مجمع و یا جایگاه حقوقی آنان ندارد. مواضع رسمی مجمع، صرفاً از طریق ریاست مجمع یا سخنگوی آن اعلام می‌شود.»



فرصت شرم‌الشیخ را از دست ندهید

محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا و محمد قوچانی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در یادداشتی درباره دعوت پزشکیان به شرم‌الشیخ نوشت: «اگر دعوت از جمهوری اسلامی ایران برای حضور در اجلاس شرم‌الشیخ برای حل مسئله فلسطین جدی باشد باید گفت ایران نباید این فرصت تاریخی را از دست بدهد. مسلم است که مقصود حضور ایران در فرایندی که ولو به صورت غیرمستقیم موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد، نیست.» در بخش دیگر این یادداشت نیز آمده است: «جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تحفظ کامل به لحاظ حفظ راهبرد خویش از این فرصت برای محکومیت اسرائیل در یک فرایند حقوقی بهره‌برد ببرد آنکه مقاومت فلسطین به عنوان یک جنبش استقلال‌طلب را تضعیف کند بلکه در تداوم راهبرد هوشمندانه حماس که بهانه را از ترامپ خودشیفته گرفته و نتایج‌ها را در کنج تاریخ قرار داده است، باید آن را به کارزاری علیه اسرائیل بدل کند.» در پایان نیز آمده است: «ایران هراسی موجود محصول ادعای اسرائیل است که توان هسته‌ای ایران را خطری برای موجودیت خود می‌داند که بر اساس موضع رسمی ملت و دولت ایران بی‌اساس است و حتی رهبری ایران به صراحت با ساخت سلاح هسته‌ای از یک سو و به دریا ریختن یهودیان از سوی دیگر مخالفت کرده‌اند و راه‌حل نهایی را فرارندوم دانسته‌اند. چرا این بهانه را در شرم‌الشیخ از روی میز برنداریم؟! آقای رئیس‌جمهور اگر نیویورک از کف رفت، شرم‌الشیخ را دربیاید.»



به حضور و مواضع جلیلی خوش‌بین نیستیم

جهانبخش خانجانی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگو با عصرایران درباره بازگشت مجدد سعید جلیلی به صحنه سیاسی پس از انتخابات گفت: «آقای جلیلی دوباره سر و کلاهش پیدا شده است. یعنی بعد از انتخابات و هم‌زمان با فعال شدن مکانیزم ماشه و شرایط حساس کشور، دوباره با همان ادبیات قدیمی، از «گلابی‌های برجام» و حرف‌های مشابه سخن می‌گوید. به نظر من اگر حکومت بخواهد به‌درستی نسبت به ایشان تصمیم بگیرد، باید یک آنالیز رفتاری از مواضع، رفتارها و ارتباطاتش انجام دهد؛ چون من خیلی خوش‌بین نیستیم به نوع حضور و مواضع او.» خانجانی افزود: «کافی است فقط موضوع کرسنت را بررسی کنیم. اگر وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه تماس‌ها و ارتباطات روزانه ایشان در رابطه با این پرونده را بررسی کنند، روشن خواهد شد چه خسارتی به جمهوری اسلامی و منافع ملی وارد شده است.»